



درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران

محمد رحیم عیوضی محمد جواد هراتی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست

۱	مقدمه
۱	فصل اول: تعریف مفاهیم و عوامل شکل‌گیری انقلاب‌ها
۱	اهداف رفتاری
۱	مقدمه
۱	۱-۱. چیستی انقلاب
۲	۱-۲. تعاریف مختلف از انقلاب
۳	۱-۳. گونه‌های مختلف انقلاب
۴	۱-۴. خصوصیات انقلاب‌ها
۵	۱-۵. تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی
۵	۱-۵-۱. کودتا
۶	۱-۵-۲. جنبش
۶	۱-۵-۳. اصلاح
۶	۱-۶. شورش
۷	۱-۷. شرایط اجتماعی و بسترهای روان‌شناختی پیدایی انقلاب
۷	۱-۷-۱. نارضایتی عمیق از وضع موجود
۸	۱-۷-۲. ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین
۹	۱-۷-۳. گسترش روحیه انقلابی
۹	۱-۷-۴. رهبری و نهادهای بسیج‌گر
۱۰	خلاصه
۱۰	منابع
۱۱	پرسش

فصل دوم: وضعیت اروپا و ایران در اواخر قرن نوزدهم و شکل‌گیری الگوهای شبه‌ترقی غرب‌گرا

و تعالی اسلامی

اهداف رفتاری

مقدمه

۲-۱. نگاهی به وضعیت اروپا در قرن نوزدهم

۲-۱-۱. پیشرفت فناوری و نیاز اروپا به منطقه نفوذ و ادامه سیاست استعماری

۲-۱-۲. تحولات سیاسی و ضعف کشورهای اسلامی در برابر غرب

۲-۲. وضعیت ایران در قرن نوزدهم

۲-۲-۱. ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی در ایران

۲-۲-۲. وضعیت اقتصادی ایران

۲-۳. گسترش روابط ایران و غرب و بررسی علل عقب‌ماندگی ایران

۲-۳-۱. الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا

۲-۳-۲. الگوی تعالی اسلامی

خلاصه

منابع

پرسش

فصل سوم: چالش الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی در عصر مشروطه

اهداف رفتاری

مقدمه

۳-۱. جنگ‌های ایران و روسیه و فتوای جهاد

۳-۲. نهضت تنباکو

۳-۳. از جنبش عدالت‌خانه تا نهضت مشروطیت

۳-۴. حاکمیت شبه‌ترقی غرب‌گرا و بازگشت استبداد و تشدید وابستگی

خلاصه

منابع

پرسش

فصل چهارم: عصر پهلوی، شبه‌ترقی غرب‌گرا و باستان‌گرایی

اهداف رفتاری

مقدمه

۴-۱. شبه‌ترقی غرب‌گرا و الگوی باستان‌گرایی در عصر پهلوی اول

۴-۱-۱. ساختار سیاسی (استبداد)

۴-۱-۲. تحمیل تغییرات اجتماعی - اقتصادی متنافر با بافت اجتماعی ایران

۴-۱-۳. هویت‌سازی و باستان‌گرایی

۴-۲. شبه‌ترقی غرب‌گرا و الگوی باستان‌گرایی در عصر پهلوی دوم

۴-۲-۱. اقدامات پهلوی دوم و تحمیل تغییرات اجتماعی

۴-۲-۲. ساختار سیاسی

۴-۲-۳. هویت‌سازی، الگوی باستان‌گرایی

۵۷	۴-۲-۴. پارادوکس‌های هویت در عصر پهلوی
۵۹	خلاصه
۵۹	منابع
۶۰	پرسش
۶۳	فصل پنجم: روند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی و شکل‌گیری انقلاب
۶۳	اهداف رفتاری
۶۳	مقدمه
۶۴	۵-۱. فرایند تکامل الگوی پیشرفت و تعالی در عصر پهلوی
۶۵	۵-۱-۱. الگوی پیشرفت و تعالی در دوره پهلوی اول
۶۶	۵-۱-۲. الگوی پیشرفت و تعالی در دوره پهلوی دوم
۷۳	۵-۲. فرایند بسیج سیاسی و وقوع انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ و ۵۷
۷۵	۵-۲-۱. مرحله تظاهرات در سطح محلی (از دی ماه ۵۶ تا تیر ۵۷)
۷۶	۵-۲-۲. مرحله گسترش تظاهرات مردمی در سطح کشور (مرداد تا مهر ۵۷)
۷۷	۵-۲-۳. مرحله اعتصابات و تظاهرات گسترده (مهر تا آذر ۵۷)
۷۹	۵-۲-۴. مرحله سرنوشت‌ساز و کنش‌های جمعی (آذر تا بهمن ۵۷)
۸۱	۵-۳. احزاب و جریان‌های فکری در آستانه انقلاب اسلامی
۸۲	۵-۳-۱. حزب توده
۸۳	۵-۳-۲. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
۸۳	۵-۳-۳. جبهه ملی ایران
۸۵	۵-۳-۴. نهضت آزادی ایران
۸۶	۵-۳-۵. سازمان مجاهدین خلق
۸۷	۵-۳-۶. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی
۸۸	خلاصه
۸۹	منابع
۹۰	پرسش
۹۳	فصل ششم: انقلاب اسلامی؛ هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی
۹۳	اهداف رفتاری
۹۳	مقدمه
۹۴	۶-۱. مبانی هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی در آرای امام خمینی رهبر
۹۶	۶-۲. مبانی انقلاب اسلامی در شعارهای مردم
۹۸	۶-۳. نقد و ارزیابی نظریه‌های انقلاب براساس هویت انقلاب اسلامی
۹۹	۶-۳-۱. تدا اسکاچپول (نظریه دولت تحصیلدار)
۱۰۰	۶-۳-۲. جیمز دیویس (نظریه توقعات فزاینده)
۱۰۲	۶-۳-۳. میشل فوکو (نظریه فرهنگی انقلاب)
۱۰۴	خلاصه
۱۰۴	منابع
۱۰۵	پرسش

۱۰۷	فصل هفتم: تحلیلی بر تحولات دوران تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی
۱۰۷	اهداف رفتاری
۱۰۷	مقدمه
۱۰۸	۷-۱. دوره: تثبیت نظام
۱۰۸	۷-۱-۱. چالش حفظ و بقای انقلاب و نظام جدید در برابر موانع داخلی (۵۷-۵۹)
۱۱۱	۷-۱-۲. چالش حفظ و بقای انقلاب در برابر موانع داخلی و خارجی (۵۹-۶۷)
۱۱۳	۷-۲. دوره تداوم انقلاب اسلامی
۱۱۵	۷-۲-۱. گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی
۱۱۹	۷-۲-۲. گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی
۱۲۱	۷-۲-۳. گفتمان عدالت
۱۲۲	۷-۲-۴. تحلیلی از جریان‌های فکری انحرافی در نظام
۱۲۳	خلاصه
۱۲۴	منابع
۱۲۴	پرسش
۱۲۷	فصل هشتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی
۱۲۷	اهداف رفتاری
۱۲۷	مقدمه
۱۲۸	۸-۱. دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح داخلی
۱۲۸	۸-۱-۱. دستاوردهای سیاسی
۱۲۸	۱. سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی
۱۲۹	۲. افزایش بینش و مشارکت سیاسی مردم
۱۳۰	۳. استقلال و دگرگونی اصول سیاست خارجی
۱۳۱	۸-۱-۲. دستاوردهای فرهنگی
۱۳۱	۱. نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی
۱۳۲	۲. عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه
۱۳۲	۳. ارتقای جایگاه زن در اجتماع
۱۳۲	۴. ایجاد روحیه خودباوری
۱۳۳	۸-۲. دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل
۱۳۳	۸-۲-۱. دستاوردهای فرهنگی
۱۳۳	۱. ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی
۱۳۴	۲. ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی
۱۳۵	۳. فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام
۱۳۵	۴. احیای نقش جنبش‌های آزادی بخش
۱۳۷	۸-۲-۲. دستاوردهای سیاسی در سطح بین‌المللی
۱۳۷	۱. تأثیر بر شکل‌گیری برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی
۱۳۹	۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر راهبرد قدرت‌های بزرگ
۱۴۰	خلاصه
۱۴۰	منابع

۱۴۰	خلاصه
۱۴۰	منابع
۱۴۱	پرسش
۱۴۳	فصل نهم: آینده انقلاب اسلامی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها
۱۴۳	اهداف رفتاری
۱۴۳	مقدمه
۱۴۴	۹-۱. فرصت‌های پیش‌روی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی
۱۴۴	۹-۱-۱. فرصت‌های داخلی
۱۴۵	۱. مردمی بودن
۱۴۵	۲. پیشرفت‌های علمی و فناوری
۱۴۵	۹-۱-۲. فرصت‌های بین‌المللی
۱۴۷	۱. افول هژمونی آمریکا
۱۴۸	۲. آینده جمعیت و جایگاه مسلمانان
۱۴۸	۳. بحران‌های اقتصاد جهانی
۱۵۰	۴. ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی
۱۵۱	۵. پتانسیل‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران
۱۵۲	۶. محدود شدن فرصت استفاده از زور (قدرت نظامی)
۱۵۲	۷. بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه
۱۵۳	۹-۲. چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی
۱۵۳	۹-۲-۱. چالش‌های داخلی
۱۵۴	۱. تهاجم فرهنگی
۱۵۵	۲. اشاعه جدایی دین از همه ساحت‌های زندگی اجتماعی (سکولاریسم)
۱۵۶	۳. نابرابری اجتماعی
۱۵۶	۴. مشکلات اقتصادی
۱۵۸	۵. علوم انسانی
۱۵۸	۹-۲-۲. چالش‌های بین‌المللی
۱۵۹	۱. تحریم‌ها
۱۶۰	۲. مسئله هسته‌ای
۱۶۱	۳. جهانی‌سازی
۱۶۱	۹-۳. جنگ نرم
۱۶۱	۹-۳-۱. مفهوم جنگ نرم
۱۶۳	۹-۳-۲. پیشینه تاریخی جنگ نرم
۱۶۳	۹-۳-۳. تاکتیک‌های جنگ نرم
۱۷۱	خلاصه
۱۷۲	منابع
۱۷۲	پرسش
۱۷۵	منابع

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران همواره کانون توجه سیاست‌مداران، صاحب‌نظران علوم اجتماعی، مردم و گروه‌های مختلف در جهان بوده است. این انقلاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از انقلاب‌های اجتماعی بزرگ جهان متمایز می‌کند؛ انقلابی که با توجه به پیشینه انقلاب‌های اجتماعی گذشته، کمتر کسی وقوع آن را پیش‌بینی می‌کرد. دامنه تأثیر انقلاب‌ها هیچ‌گاه به سطح داخلی محدود نمی‌شود، بلکه بر نظام بین‌الملل نیز اثرگذار است؛ چنان‌که تأثیر انقلاب اسلامی ایران امروز پس از گذشت سه دهه از وقوع آن در خیزش مردم منطقه خاورمیانه دیده می‌شود.

تبیین‌ها و توصیف‌های متعدد از انقلاب، اهمیت مطالعه آن را دوچندان می‌کند. از همین روست که با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی ایران هنوز بخشی از مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی به این موضوع اختصاص دارد.

گذشته از تلاش نظریه‌پردازان خارجی، تبیین انقلاب اسلامی و شناخت علل شکل‌گیری آن برای ما ایرانیان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی با بازتاب گسترده جهانی در جامعه‌ای روی داد که در آن زندگی می‌کنیم و به همین رو نیازمند آشنایی بیشتر با مسائل آنیم.

کتاب حاضر که به‌عنوان متن درسی انقلاب اسلامی تدوین شده، ویراست دوم از کتاب *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی* است که تلاش دارد تا با روش جدیدتری نسبت به متون پیشین به تحلیل انقلاب اسلامی و تحولات سه دهه بعد از انقلاب بپردازد. از این رو در بخشی از این کتاب می‌کوشیم تا پیشینه تاریخی انقلاب اسلامی و

مسائل پس از آن در قالب چالش میان دو الگوی «شبه ترقی غرب‌گرا» و «تعالی اسلامی» مورد تحلیل قرار گیرد و با همین الگو، مسائل سه دهه پس از انقلاب نیز بررسی شود.

یکی از ابهاماتی که در کتاب پیشین از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده بود، مفهوم ترقی و تعالی بود که به‌منظور فهم بهتر و توضیح این دو مفهوم، واژه‌هایی به آنها اضافه گردیده است. درحقیقت تجربه یک‌سال تدریس این کتاب در دانشگاه و استفاده از نظرات اساتید و دانشجویان، زمینه‌ای را فراهم نمود تا به اصلاح و توضیح برخی مفاهیم مطرح‌شده در کتاب بپردازیم.

در این ویراست با اضافه نمودن برخی واژه‌ها تلاش شده ابهامات موجود برطرف شود. بنابراین واژه‌های «ترقی غرب‌زده»، «ترقی غرب‌گرا» و «شبه ترقی غربی» همگی بیان‌کننده الگوی شبه‌ترقی غرب‌گراست که در برخی موارد در متن به اختصار از عبارت «ترقی» نیز استفاده شده است. البته علت استفاده از واژه‌های مضاف به «ترقی» در عبارت‌های مختلف، دلایل خاص خود را دارد که در متن بدان پرداخته می‌شود. به همین نسبت در مقابل واژه «ترقی» از مفهوم «پیشرفت و تعالی اسلامی» استفاده شده که مبین چارچوبه فکری خاصی است. در متن حاضر تعبیری نظیر «پیشرفت»، «پیشرفت و تعالی»، «تعالی» و «پیشرفت و تعالی اسلامی» به کار رفته که همگی مبین یک چارچوبه فکری است و در نقطه مقابل الگوی شبه ترقی غرب‌گراست.

آشنایی و ارتباط ایران و غرب در اواخر دوران قاجاریه و نیز مقایسه وضعیت دو جامعه ایران و غرب، زمینه پرسش از عقب‌ماندگی ایران و علل آن گردید. در پاسخ به این سؤال و در جهت برون‌رفت از این وضعیت و پیشرفت ایران، دو نگرش متفاوت به وجود آمد که می‌توان از آنها در قالب دو پارادایم فکری و یا دو الگوی متمایز برای پیشرفت ایران نام برد: یکی «الگوی ترقی» که خود به دو الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا (در دوره قاجاریه) و الگوی باستان‌گرایی شبه‌ترقی (در دوره پهلوی) تقسیم می‌گردد و دوم «الگوی پیشرفت و تعالی اسلامی» که به اختصار «تعالی» نامیده می‌شود.

شایان ذکر است لفظ «ترقی» به معنای پیشرفت نیز به کار می‌رود، اما چون در متن حاضر تلاش می‌کنیم تا بین دو دیدگاه نسبت به پیشرفت تفکیک قائل شویم، پیشرفت برپایه مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی غربی را به اختصار «الگوی ترقی» می‌نامیم و

پیشرفت با مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی - ایرانی را به اختصار «الگوی تعالی» نام می‌نهیم.

نگرش شبه‌ترقی غرب‌گرا تلاشی برای حرکت بر مبنای الگوبرداری از غرب و نفی فرهنگ خودی بود، اما تعالی‌خواهی، پیشرفت را بر پایه فرهنگ و هویت خود ترسیم می‌نمود. جریان شبه‌ترقی برای تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته غربی، در یکصد سال گذشته تلاش بسیاری نمود. اما در کنار این امر، تعالی‌خواهی نیز از همین دوران شکل گرفت و در تداوم خویش منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی در قالب نفی غرب‌زدگی گردید.

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که شبه‌ترقی‌خواهی غربی پس از سال‌ها تلاش، کمتر توفیق یافت. افزون بر این، مشکلات فراوانی برای جامعه ایران نیز در پی آورد. بنابراین شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را می‌توان واکنشی به غرب‌گرایی در یکصد سال گذشته و راهی برای پیشرفت در چهارچوب فرهنگ بومی تلقی نمود و بر همین اساس می‌توان آن را انقلابی در راستای هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی مردم ایران تفسیر کرد.

بی‌گمان انقلاب اسلامی ایران نگرشی ضد غربی داشت، اما نحله‌های فکری غرب‌زده در ایران پس از انقلاب هیچ‌گاه از میان نرفت، بلکه در قالب جریانی فکری و با قرائت‌ها و تفسیرهای مختلف در مقاطعی پس از انقلاب ظهور یافت. بنابراین منازعه میان دو جریان ترقی‌خواه و تعالی‌خواه - که از اواخر دوران مشروطیت آغاز شد و تا به امروز که سه دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد، تداوم یافت - شاید در آینده نیز ادامه داشته باشد. بر این اساس یکی از چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی (البته با قرائت‌های خاص و بعضاً تفاسیر دینی و التقاطی) تلاش‌های این جریان شبه‌ترقی در چالش با نگاه تعالی‌خواهانه خواهد بود.

در فصول آغازین متن پیش‌رو می‌کوشیم تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر مبنای طرح این دو الگو مطرح گردد و سپس جریان‌های فکری موجود در ایران معاصر نیز مورد بررسی قرار گیرد. سپس در تحلیل الگوی تعالی با استفاده از دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، شعارهای مردمی و نظریه‌های انقلاب، به موضوع هویت و استقلال در انقلاب اسلامی پردازیم. با عنایت به

ضرورت طرح آرمان‌ها، اهداف و دستاوردهای انقلاب اسلامی در بحث از نگرش تعالی‌خواه، این موارد و نیز آینده انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش‌روی آن، در فصل‌های جداگانه بررسی می‌گردد.

در پایان از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی و همکاران پرتلاش ایشان که شرایط مناسب تألیف این اثر را فراهم آوردند و نیز از محقق ارجمند جناب آقای فرزاد جهان‌بین که در تدوین طرح‌نامه کتاب ما را یاری نمود، صمیمانه قدردانی می‌شود.

از آنجاکه کتاب حاضر با انجام اصلاحات مورد نظر اساتید و صاحب‌نظران تجدیدچاپ شده، همچنان ممکن است برخی ابهامات و اشکالات موجود در کتاب از نظر نگارندگان دور مانده باشد. ازاین‌رو، امیدواریم استادان، محققان و دانشجویان گرامی با راهنمایی‌ها و خرده‌گیری‌های خود بر غنای این اثر بیفزایند.

محمد رحیم عیوضی و محمد جواد هراتی

تابستان ۱۳۹۰

فصل اول

تعریف مفاهیم و عوامل شکل‌گیری انقلاب‌ها

اهداف رفتاری

- در خاتمه مطالعه این فصل از شما انتظار می‌رود بتوانید:
۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب را تعریف کنید.
 ۲. انواع انقلاب را بشناسید و بتوانید روند ایجاد تحولات هر کدام از آنها را در جامعه شرح دهید.
 ۳. ویژگی‌های هر کدام از پدیده‌های مشابه با انقلاب را بدانید.
 ۴. هر کدام از پدیده‌های مشابه اجتماعی نظیر کودتا، اصلاحات و شورش را به‌طور جداگانه با انقلاب مقایسه کنید.
 ۵. میزان تشابه یا تغایر هر کدام از پدیده‌های مشابه را بیان کنید و ارتباط هر کدام با انقلاب را تحلیل نمایید.

مقدمه

در این فصل قبل از پرداختن به انقلاب اسلامی و موضوعات پیرامون آن با مفاهیم و تعاریف و مفاهیم مشابه با انقلاب آشنا می‌شویم.

۱-۱. چیستی انقلاب

انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از نظر سیاسی

به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هر یک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود، درباره انقلاب توضیحاتی داده‌اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۲-۱. تعاریف مختلف از انقلاب

هانا آرن، از نظریه‌پردازان انقلاب درباره پیشینه تاریخی این اصطلاح چنین می‌گوید: کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، حفظ کرد.

در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ م پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت. در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی (Revolution) به‌ویژه در ممالک غربی - به کار می‌رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن، بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است.

نظریه‌پردازان، هر یک بر مبنایی خاص تعاریف مختلفی از انقلاب به دست داده‌اند. برای نمونه، شهید مطهری انقلاب را این گونه تعریف می‌کند:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظم مطلوب انجام می‌دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه‌های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب. (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۳).

از نگاه شهید آیت الله سیدمحمدباقر صدر، انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش‌های حاکم است. (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

مروری بر سایر تعاریف اندیشمندان معاصر اسلامی نشان می‌دهد که یکی از

ابعاد مهم در معرفی انقلاب‌ها، بُعد ارزشی و مطلوبیت آرمان‌هاست. شاید تعریف انقلاب از بُعد جامعه‌شناسی جامعیت بیشتری دارد؛ زیرا به عمده‌ترین خصیصه‌های انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است، اشاره می‌کند. در این باره می‌توان به تعریف ساموئل هانتینگتون اشاره نمود:

انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است (Huntington, 1968. 264)

این تعریف از یک سو معیارهای یک انقلاب سیاسی - اجتماعی را مشخص و از سوی دیگر، انقلاب را از همه پدیده‌های مشابه متمایز می‌سازد. انقلاب بر این مبنای پدیده‌ای چون شورش‌های دهقانی، قیام‌های شهری، شورش‌های جدایی طلب ملی و مانند آن را دربر نمی‌گیرد. از سویی هانتینگتون با تأکید بر عنصر «خشونت»، انقلاب را از اصلاحات عمیق نیز جدا می‌انگارد و با اصرار بر عمیق بودن انقلاب، آن را از رویدادهای کم‌اهمیت‌تر تفکیک می‌کند. (همان: ۲۱)

در مجموع از تعاریفی که درباره انقلاب وجود دارد، می‌توان انقلاب را به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت.

۳-۱. گونه‌های مختلف انقلاب

انقلاب‌ها را می‌توان به «انقلاب‌های سیاسی» و «انقلاب‌های اجتماعی» تقسیم نمود. انقلاب سیاسی، با تغییر ساختار سیاسی، بدون تغییر ساختارهای اجتماعی همراه است. به سخنی دیگر، این انقلاب‌ها ساختار حکومت را تغییر می‌دهند، نه ساختار اجتماعی را. اما انقلاب اجتماعی عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه که با حرکت و قیام عمومی مردم همراه است. برای نمونه، انقلاب اسلامی را می‌توان از انقلاب‌های اجتماعی دانست. انقلاب اجتماعی به ندرت شکل گرفته، اما بی‌گمان رخدادی مهم به‌شمار می‌رود؛ چراکه تأثیرات بسیاری در سطوح داخلی و بین‌المللی برجای می‌نهد.

انقلاب‌های اجتماعی تنها از حیث ملی اهمیت ندارند، بلکه اغلب موجب رشد

الگوها، اندیشه‌ها و خواست‌های بزرگ بین‌المللی نیز می‌شوند؛ به‌ویژه اگر این تحولات در کشورهایی روی دهد که از نظر جغرافیای سیاسی مهم، از نظر غنای فرهنگی مشهور، و از نظر وسعت نیز پهناور باشند. بنابراین چون انقلاب‌های اجتماعی، هم در سطح داخلی اثرگذارند و هم در سطح بین‌المللی، مطالعه آنها اهمیتی درخور دارد. آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی در تاریخ جهان، انقلاب اسلامی ایران است و به‌همین رو پژوهشگران بسیاری به تفصیل بدان پرداخته‌اند. بنابراین چون انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های اجتماعی است، از این پس مباحث مربوط به انقلاب اجتماعی را بازخواهیم گفت.

۴-۱. خصوصیات انقلاب‌ها

انقلاب‌های اجتماعی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگر تحولات سیاسی - اجتماعی متمایز می‌کند:

۱. انقلاب در روند خود باید چند مرحله را بگذراند:

یک. براندازی؛

دو. انتقال و جابه‌جایی قدرت؛

سه. پاک‌سازی مهره‌های اصلی حکومت قبلی؛

چهار. تثبیت نظام جدید، سازندگی و تحقق آرمان‌های انقلاب.

۲. با وجود ناگهانی و سریع بودن وقوع انقلاب، روند شکل‌گیری آن نسبتاً طولانی است.

۳. در روند انقلاب، اصولاً اعمال زور و خشونت به‌گونه‌ای متقابل صورت می‌گیرد؛ زیرا نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند.

۴. در انقلاب بخش عمده‌ای از جمعیت به‌شکلی مؤثر بسیج می‌شود.

۵. مشارکت مردمی در انقلاب مستلزم عناصری مانند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی است و هرچه ایدئولوژی قوی‌تر باشد، بسیج گروه‌ها نیز گسترده‌تر خواهد بود.

۶. تغییرات انقلاب، عمیق و زیربنایی بوده و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های پیشین می‌گردد. (دهقان، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی: ۲۱-۱۸)

۷. وجود مستمر آگاهی به مفهوم ادراک و تحلیل آن، موجب پی‌ریزی «حرکت‌های مداومی» می‌گردد که به تدریج در طی مراحل انقلاب را به وجود می‌آورد.

۵-۱. تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

برخی از انواع تحولات اجتماعی از برخی وجوه با انقلاب مشابهت دارند. از این‌رو برای پرهیز از خلط مباحث و شناخت دقیق‌تر پدیده انقلاب، اشاره به تفاوت انقلاب با دیگر مفاهیم مشابه اجتماعی، ضروری می‌نماید.

۱-۵-۱ کودتا (Coup d'etat)

کودتا اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی نیروهای حاکم است که هدف از آن، رسیدن به قدرت و برکناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد. با این تعریف، میان انقلاب و کودتا تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱. کودتاچیان از پیکره قدرت حاکم برمی‌خیزند و پایگاه مردمی ندارند؛ درحالی‌که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب، خود مردم‌اند که در مقابل قدرت حاکم قرار دارند. کودتا در جوامعی روی می‌دهد که ارتش نقش ویژه‌ای در برابر ملت دارد، اما در جوامعی که انقلاب در آنها رخ می‌دهد، مردم نقش اول را عهده‌دارند.

۲. در کودتا ارزش‌ها و زیرساخت‌ها تغییر نمی‌یابد، بلکه در درون نظام، گروهی به جای هیئت حاکم می‌نشینند و حداکثر به لغو قوانین مخالف خود می‌پردازند. در کودتا ساختار نظام باقی است، اما اداره‌کننده آن تغییر می‌یابد.

۳. در کودتا به دلیل برخاستن کودتاچیان از پیکره اصلی نظام، براندازی و جایگزینی و نیز شروع به سازندگی تقریباً هم‌زمان و بدون فاصله زمانی رخ می‌دهد. در کودتا بعضاً عوامل بیگانه دخالت دارند، اما در انقلاب قاعده‌تاً چنین چیزی ممکن نیست. (بشیری، ۱۳۸۱: ۲۳)

۲-۵-۱ جنبش (Movement)

جنبش مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح، در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز در هدف نهایی آن است. تغییرات اجتماعی حاصل از جنبش اگر به گونه‌ای مسالمت‌آمیز به تغییرات آرام و تدریجی منجر شود، رفرم یا اصلاح نام دارد و اگر این تغییرات، اساسی و بنیادی، توأم با خشونت باشد، به انقلاب خواهد انجامید. از این رو، انقلاب‌ها در فرایند راهبردی جوامع خواهان جنبش - که مستلزم آگاهی اجتماعی است - شکل می‌گیرد.

۳-۵-۱. اصلاح (Reform)

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات، از بالا و از سوی خود دولتمردان به وجود می‌آید. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب نیز جلوگیری کند.

تفاوت اساسی انقلاب و اصلاح در این است که اصلاحات از سوی حاکمان و به منظور بهبود شرایط یا جلوگیری از وقوع انقلاب روی می‌دهد، اما انقلاب از سوی مردم و برای براندازی نظام حاکم پدید می‌آید. ناگفته نماند که اصلاحات در برخی موارد ممکن است موجب تسریع انقلاب یا فروپاشی رژیم‌های سیاسی گردد. معمولاً در اصلاحات، خشونت دیده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌گردد تا اصلاحات در فضایی آرام صورت گیرد.

۶-۱. شورش (Riote)

شورش حرکتی مقطعی در اعتراض به موضوعی خاص است. شورشیان غالباً نارسایی‌های موجود را نه به نهادها و ساخت‌های اجتماعی، بلکه به افراد نسبت می‌دهند. از این رو، هدف آنها محدود به از میان برداشتن افراد خاصی در حاکمیت و یا

زدودن موضوع خاصی در حکومت است، بی‌آنکه ترکیب نظام سیاسی - اجتماعی را تغییر دهند. از سویی دیگر، در مواردی که شورشیان بافت اجتماعی را نشانه می‌روند، طرحی برای آینده ندارند و معمولاً اعتراض آنها مقطعی و برای موضوعی خاص است. هدف شورش، اعتراض به وضع موجود است. از این‌روی، هرگاه شورشیان به تغییر در ساختار اجتماعی و سیاسی بیندیشند و طرحی هرچند مبهم برای آینده داشته باشند، حرکت آنها جنبه انقلابی می‌یابد. از آنجا که شورش برای آینده هدف مشخصی ندارند، بسیاری از آنها پس از رسیدن به هدف محدود خود دچار سردرگمی شده و نمی‌توانند تصویر جامعه‌ای کاملاً متفاوت با وضع موجود را بنمایانند. بدین ترتیب، اغلب شورش‌ها از سوی نظام حاکم سرکوب می‌شود.

۷-۱. شرایط اجتماعی و بسترهای روان‌شناختی پیدایی انقلاب

اوضاع جامعه‌ای که مستعد انقلاب است، باید در مطالعه انقلاب مورد توجه قرار گیرد. انقلاب به شکلی مطلوب در مکان و زمانی امکان موفقیت دارد که شرایط دوقطبی بر جامعه حکمفرما باشد؛ شرایطی که در آن، گروه‌های اجتماعی از نظام سیاسی حاکم جدا شده و در مقابل آن ایستاده‌اند. چنین جامعه‌ای با دوگانگی قدرت روبه‌رو می‌گردد؛ بدین‌بین که ابتدا مشروعیت حاکمیت به چالش کشیده می‌شود و سپس نیروهای اجتماعی - که به قدرت خود اطمینان کافی می‌یابند - از نظام سیاسی روی‌گردان شده، در مقابل آن قرار می‌گیرند. (محمدی، انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۵) عوامل متعددی ایجادکننده چنین شرایطی است، اما اگر بخواهیم آنها را در یک دسته‌بندی کلی بازگویم، می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود نارضایتی، ظهور ایدئولوژی جایگزین، روحیه انقلابی و رهبری انقلاب. حال بدین موارد می‌پردازیم.

۷-۱-۱. نارضایتی عمیق از وضع موجود

نخستین عامل مهم در وقوع هر انقلاب که منشأ روان‌شناختی اجتماعی دارد، نارضایتی عمیق از وضعیت اجتماعی است که زمینه ظهور و گسترش سایر عوامل و شرایط را نیز فراهم می‌آورد. عوامل مختلفی در شکل‌گیری نارضایتی اثرگذار است. البته باید در نظر

داشت هرگونه نارضایتی منجر به انقلاب نمی‌شود. به بیانی دیگر، نارضایتی انقلابی در میان توده‌های عظیم مردمی ظهور می‌کند و یک یا چند جنبه مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. در واقع انقلاب تنها با ایجاد نارضایتی به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه روی‌دادن آن نیازمند یک سلسله علل به‌هم‌پیوسته است که آغاز آن وجود نارضایتی عمیق است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۲۳)

۲-۷-۱. ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین

هر تغییر و تحولی در سیاست و حکومت، افزون بر نارضایتی، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر حکومت است. به دیگر سخن، تا زمانی که جایگزینی مناسب برای نظام حکومتی وجود نداشته باشد، بی‌گمان نظام حکومتی تغییر نخواهد کرد. برنتون، یکی از نظریه‌پردازان انقلاب معتقد است که هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید شکل نمی‌گیرد. (برنتون، ۱۳۶۶: ۴۵-۵۹) ایدئولوژی در هر انقلاب، در چگونگی پیروزی آن، نوع حکومت جایگزین و حتی در مراحل و تحولات پس از پیروزی نیز نقشی بسزا دارد. در واقع ایدئولوژی انقلاب، نظام ارزشی سازمان‌یافته‌ای است که ویژگی‌های نظام آرمانی را ترسیم می‌کند و راه رسیدن به آنها را می‌نمایاند.

انقلاب‌هایی که در آن یک ایدئولوژی واحد و سازگار با ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه گسترش یابد، زودتر فراگیر می‌شود و بسیج توده‌ها را در پی می‌آورد. از سوی دیگر، این انقلاب‌ها سریع‌تر از دیگر انقلاب‌ها به پیروزی می‌رسند و پس از آن بی‌ثباتی‌های کمتری خواهند داشت. (جمعی از نویسندگان، ویراست چهارم: ۲۴) اما وجود ایدئولوژی‌های متعدد در مرحله پیدایی و استمرار انقلاب‌ها می‌تواند مشکلاتی را برای انقلاب فراهم آورد و از وحدت نیروهای انقلابی بکاهد. هر قدر تعداد ایدئولوژی ارائه‌شده برای انقلاب بیشتر باشد، احتمال ثبات پس از انقلاب کمتر است. وجود دیگر ایدئولوژی‌ها در برخی انقلاب‌ها حتی به موضوع درگیری پس از انقلاب بدل می‌گردد.

۳-۷-۱. گسترش روحیه انقلابی

روحیه انقلابی پدیده‌ای روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. مراد از این روحیه، به‌وجود آمدن حس پرخاشگری علیه نظم سیاسی حاکم است. با چنین روحیه و اراده‌ای است که فرد اعتمادبه‌نفس می‌یابد و در مقابل راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه و سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت می‌ایستد. این روحیه نیز دست‌کم باید در میان گروهی از نخبگان و توده‌ها ظهور یابد. از این‌رو، تا هنگامی که این پدیده روی نداده - هرچند شرایط دیگر محقق باشد - انقلابی به وقوع نمی‌پیوندد. قوت و اقتدار روحیه انقلابی به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ مانند ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، نوع ایدئولوژی انقلابی و نیز مجموعه خصوصیات و اقدامات پیشین حکومت. (همان: ۲۵)

۴-۷-۱. رهبری و نهادهای بسیج‌گر

چنانچه سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در سطح جامعه و مردم پدیدار گردد، اما رهبری و نهادهای بسیج‌گر وجود نداشته باشد، انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. بنابراین پیروزی انقلاب نیازمند رهبری است تا بتواند با استفاده از نارضایتی‌های موجود و ایدئولوژی جایگزین، انقلاب را به پیش برد. از این‌رو، هرگاه رهبر و یا نهادهای بسیج‌گر جامعه بتوانند به فعال‌سازی نارضایتی‌ها، مطرح کردن ایدئولوژی جایگزین، هدایت روحیه انقلابی و مدیریت حرکت انقلابی بپردازند، براندازی نظام حاکم محقق خواهد شد.

انقلاب ممکن است دارای رهبری واحد باشد (مانند رهبری امام خمینی رهبر)، یا اینکه به صورت مشترک انجام پذیرد و یا آنکه در هر مرحله، فرد خاصی رهبری آن را برعهده داشته باشد. برای مثال، در میان رهبران انقلاب فرانسه نام سه نفر (میرابو، دانتون و روبسپیر) به چشم می‌خورد. (همان: ۲۷) اصولاً یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که با انقلاب‌های معروف جهان متفاوت به نظر می‌رسد، رهبری واحد در سه مرحله پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب است. این تمرکز رهبری در انقلاب‌هایی چون انقلاب فرانسه و شوروی سابق کمتر دیده می‌شود.

خلاصه فصل اول

انقلاب از نظر لغوی به معنای دگرگونی و تحول در یک پدیده است به گونه‌ای که آن پدیده از نظر کمی و کیفی از شکلی به شکل جدید تبدیل می‌نماید.

اما از نظر اصطلاحی چندیست که از جمله رخدادهای مهم در جوامع بشری قلمداد می‌گردد، هر چند خاستگاه اولیه آن علم ستاره‌شناسی بوده است.

دو نوع از مهم‌ترین انواع انقلاب‌ها، یعنی سیاسی و اجتماعی در این کتاب مورد بحث قرار می‌گیرند.

مقصود از انقلاب‌های سیاسی آن دسته‌اند که هدف اولیه و مستقیمشان تغییر در ساختار و خط‌مشی‌های سیاسی حکومت است در حالی که در انقلاب‌های اجتماعی کلیه نهادهای اقتصادی - سیاسی و فرهنگی به‌طور همزمان دچار تحول می‌گردند و کل جامعه از شکلی به شکل جدید مبدل می‌گردد.

البته در شناخت و تحلیل چگونگی تشکیل انقلاب‌ها نظریات متفاوتی بیان گردیده که تحت سه عنوان اصلی قابل جمع‌اند برخی از تحلیلگران انقلاب‌ها آنها را براساس «نیات انقلابیون»، گروهی طبق «پیامدهای انقلاب» و پاره‌ای با توجه به «فرآیند انقلاب» تعریف می‌کنند.

به هر حال به‌طور کلی هر انقلابی تحت تأثیر عواملی چون نارضایتی عمیق، ظهور ایدئولوژی جدید گسترش روحیه انقلابی و وجود رهبری شکل می‌گیرد.

به‌جز انقلاب‌های سیاسی پدیده‌های سیاسی دیگری هم در جوامع قابل ظهور هستند که ویژگی‌های خاص خود را دارند فلذا در علوم سیاسی با نام‌های کودتا - جنگ‌های داخلی - شورش‌ها - جنبش‌ها و اصلاحات خوانده می‌شوند و هر کدام از آنها در مقایسه با انقلاب‌ها سه حالت تشابه - تفاوت و یا تفاوت مطلق را می‌توانند داشته باشند.

منابع دیگر جهت اطلاعات بیشتر

۱. مصطفی ملکوتیان - سیری در نظریات انقلاب - تهران - قومس ۱۳۷۶
۲. هانا آرنست؛ انقلاب - ترجمه عزت ا... فولادوند - تهران - خوارزمی ۱۳۷۴
۳. کرین بریتون، کالبد شکافی چهار انقلاب - ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶

۴. جک گلدستون - مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها - ترجمه محمدتقی دلفروز - تهران، انتشارات کویر ۱۳۸۷
۵. چارلز تیلی - انقلاب‌های اروپائی - ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی - تهران، انتشارات کویر ۱۳۸۵

پرسش‌های فصل ۱

۱. تفاوت «انقلاب» با «کودتا» در چیست؟
- (الف) در کودتاها مجریان اصلی گروهی از حاکمان هستند اما انقلاب‌ها به دست عموم مردم انجام می‌گیرند.
- (ب) هدف از انجام کودتا تغییر در ساختار حکومت است اما انقلاب‌ها در پی استقلال‌طلبی هستند.
- (ج) کودتاها بسیار گسترده‌تر از انقلابات می‌باشند.
- (د) در کودتاها برنامه‌ریزی دقیق انجام می‌گیرد درحالی‌که انقلاب‌ها فاقد برنامه‌ریزی هستند.
۲. مهم‌ترین عامل با منشأ روان‌شناختی اجتماعی در وقوع انقلاب کدام مورد است؟
- (الف) رهبری
- (ب) ظهور ایدئولوژی‌های جایگزینی
- (ج) وجود نارضایتی
- (د) داشتن روحیه انقلابی
۳. مهم‌ترین ویژگی انقلابات اجتماعی که آن را از نوع دیگر مجزا می‌سازد چیست؟
- (الف) گستردگی و مردمی بودن آن
- (ب) تغییر ساختارهای سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جامعه به‌طور همزمان
- (ج) داشتن رهبری در دو مرحله قبل و بعد از انقلاب
- (د) داشتن برنامه‌ریزی‌های جایگزینی
۴. با توجه به نظریات بریتون مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری انقلابات کدام است؟
- (الف) گسترش بحران‌های اقتصادی و مالی دولت
- (ب) اتحاد و نارضایتی عمومی
- (ج) وجود ایدئولوژی‌های جایگزینی
- (د) سازمان دهی و رهبری
۵. کدام گزینه را می‌توان از تفاوت‌های عمده انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های

اجتماعی در جهان قلمداد کرد؟

الف) داشتن رهبری واحد در مراحل مختلف پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

ب) فعالیت نهادهای بسیج گر در سازمان‌دهی نارضایتی‌های عمومی

ج) ایجاد روحیه انقلابی در میان توده‌ها

د) تلفیق رهبری‌های واحد و متعدد میان گروه‌های مختلف مخالف با رژیم شاه

فصل دوم

وضعیت اروپا و ایران در اواخر قرن نوزدهم و شکل‌گیری الگوهای شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی

اهداف رفتاری

در خاتمه مطالعه این فصل از شما انتظار می‌رود بتوانید:

۱. تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی اروپا در کشورهای اسلامی را تحلیل کنید.
۲. با توجه به موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی حکومت در دوره قاجاریه نوع ارتباطات دول بزرگ اروپایی با ایران را بیان کنید.
۳. علت نحوه خاص مراودات سیاسی کشورهای روس، انگلیس و فرانسه در ایران را مشخص کرده و تأثیرات مثبت و منفی آن را برای کشور ایران مشخص نمایید.
۴. واکنش‌های متفاوتی که در مقابل ورود اروپائیان به صحنه‌های سیاسی و فرهنگی ایران در جامعه ایران پدید آمد را شرح داده و ریشه‌یابی کنید.
۵. ضمن بیان عکس‌العمل‌های گروه‌های فعال در جامعه ایران دو جریان ایجاد «الگوی تعالی اسلامی» و «الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا» را معرفی کرده و تأثیرات آنها در جامعه آن روز ایران و روابط سیاسی با دول بزرگ اروپایی را بررسی نمایید.

مقدمه

با توجه به تأثیراتی که سیاست‌های خارجی دول بزرگ اروپایی بر سایر کشورها داشته و دارند و همچنین ارتباطات ایران در قرن نوزدهم با آن کشورها از جمله روس و

انگلیس وضعیت اقتصادی و به تبع آن سیاسی این کشور تحت تأثیر مستقیم تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های خاص آنها قرار می‌گرفت، در ریشه‌یابی و شناخت انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بحران‌های اقتصادی و سیاسی در مقام اول اهمیت قرار دارند و بررسی ریشه‌های همین بحران‌ها با بررسی علت و چگونگی حضور دول خارجی ارتباط تنگاتنگی دارند لذا بررسی اوضاع آن زمان و نیز مطالعه و بررسی وضعیت داخلی ایران و ارتباطی که این دو صحنه با هم داشته‌اند از مهم‌ترین مرحله مطالعات شناختی انقلاب ۱۳۵۷ می‌باشد.

مهم‌ترین سؤالی که در این فصل مطرح شده و به آن پاسخ داده می‌شود آن است که با توجه به پیشینه تاریخی بلند ایران از لحاظ حکومتی و پیشرفت‌های مدنی در قرون گذشته به چه دلیل در قرن ۱۹ از جمله کشورهای عقب‌مانده محسوب گردیده و تحت فشار کشورهای اروپائی دچار بحران‌های بزرگ و خردکننده‌ای قرار گرفته بوده و از طرفی علت توفیق و برتری دولی چون روس و انگلیس و فرانسه در فاصله دو تا سه قرن نسبت به جهان چه بوده است و در نهایت چه واکنش‌هایی در مقابل روابط اروپا و جهان غیر اروپائی و غیر صنعتی پدید آمد.

در این فصل به موضوعان فوق‌الذکر پرداخته شده است.

۲-۱. نگاهی به وضعیت اروپا در قرن نوزدهم

نخستین نکته درخور بررسی در قرن نوزدهم، وضعیت ناشی از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژی در اروپاست. این پیشرفت‌ها زمینه‌ای شد برای ایجاد منطقه نفوذ در کشورهای دیگر و ادامه سیاست‌های استعماری.

۲-۱-۱. پیشرفت فناوری و نیاز اروپا به منطقه نفوذ و ادامه سیاست استعماری

اروپای قرن نوزدهم که تحت تأثیر شرایط انقلاب صنعتی قرار داشت، به پیشرفت‌های فراوانی در زمینه فناوری رسیده بود. انقلاب صنعتی، دگرگونی‌هایی بزرگ در صنعت، کشاورزی، تولید و حمل‌ونقل بود که در نیمه قرن هجدهم از انگلستان آغاز شد و پیامدهایی اجتماعی - سیاسی به دنبال داشت؛ آن‌گونه که طی یک قرن و نیم، به تدریج چهره شهرهای اروپایی و آمریکا را دگرگون کرد.